



از تبدیل سرزمین‌های اسلامی به میدان جنگ‌های پی در پی جلوگیری شود

مدیر حوزه‌های علمیه تأکید کرد: آنچه امروز رخ می‌دهد صرفاً یک درگیری نظامی نیست؛

مدیر حوزه‌های علمیه تأکید کرد: آنچه امروز رخ می‌دهد صرفاً یک درگیری نظامی نیست؛ بلکه رخدادی است که می‌تواند بر آینده جهان اسلام و حتی بنیان اخلاقی روابط میان ملت‌ها تأثیر بگذارد. اگر در نظام بین الملل این قاعده شکل گیرد که می‌توان در میانه مذاکرات به یک کشور حمله کرد، دیگر هیچ ملت مستقلاً با اطمینان پای میز مذاکره نخواهد نشست.

ارسال/ از تبدیل سرزمین‌های اسلامی به میدان جنگ‌های پی در پی جلوگیری شود به گزارش ایکننا، آیت‌الله علیرضا اعرافی؛ مدیر حوزه‌های علمیه جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به علمای جهان اسلام آورده است:

خطاب این نامه پیش از هر کس به شما، عالمان و مصلحان امت اسلامی است؛ تا با دفاع از اصول مشترک اسلامی - حرمت جان انسان، قبح تجاوز، پایبندی به عهد و اصالت گفت‌وگو - از تبدیل سرزمین‌های اسلامی به میدان جنگ‌های پی در پی جلوگیری شود.

متن نامه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات علما و مصلحان ارجمند جهان اسلام

السلام عليكم و رحمه الله و برکاته

قال الله تعالى: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ

تاریخ اسلام گواه آن است که در سخت‌ترین، تاریک‌ترین و بحرانی‌ترین مقاطع حیات امت اسلامی، هیچ نیرویی به اندازه عالمان راستین دین نتوانسته است مسیر جامعه مسلمانان را از حیرت و اضطراب به سوی تحول، رشد و بالندگی هدایت کند. عالمانی که با شهامت، ژرف اندیشی قرآنی، شناخت انسان و زمانه خویش و با روحی سرشار از مسئولیت در برابر خدا و خلق، در هر سرزمین و در هر موقعیتی که قرار گرفته‌اند، همچون علمای برافراشته راه را نشان داده‌اند؛ چونان چراغی فروزان مسیر را روشن ساخته‌اند؛ و گاه همچون کشتی نجاتی، سرگشتگان در تلاطم امواج طوفانی جامعه را به ساحل امن هدایت کرده‌اند.

امروز نیز جهان اسلام در یکی از پیچیده‌ترین و پرآشوب‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر خود قرار گرفته است. از یک سو فرصت‌های کم نظیری برای بازگشت به عزت، استقلال و شکوفایی تمدنی در برابر امت اسلامی گشوده شده است و از سوی دیگر تهدیدها و بحران‌هایی عمیق در کمین این پیکر واحد قرار دارد. در چنین شرایط حساسی، به نظر می‌رسد هیچ عاملی به اندازه بیداری، بصیرت و شهامت عالمان امت اسلامی نمی‌تواند راه آینده را روشن سازد و امت را از میان‌گردنه‌های دشوار این دوران عبور دهد.

سرنوشت انسانیت، امنیت و آرامش جوامع و فراهم بودن فضایی آزاد و امن برای رشد معرفت، فرهنگ و دیانت، همواره در کانون توجه عالمان راستین دین قرار داشته است. در منطق قرآن کریم و در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اولیای هدایت، جوهر اسلام بر اصالت صلح، امنیت و پاسداشت کرامت انسان استوار است؛ صلحی که نه از سر ضعف، بلکه از موضع حکمت، عدالت و مسئولیت در قبال سرنوشت امت انسانی شکل می‌گیرد.

تجربه تاریخ اسلام نیز نشان می‌دهد هرگاه عالمان دین از همبستگی و تعامل سازنده برخوردار بوده‌اند، زمینه رشد و توسعه جهان اسلام و شکل‌گیری مناسبات سالم میان ملت‌ها فراهم‌تر شده است. در مقابل، هرگاه صفوف عالمان دچار تفرقه شده و گرایش‌های تنگ‌مذهبی یا فرقه‌ای بر نگاه‌های کلان‌امت اسلامی سایه افکنده است، زمینه بروز فتنه‌ها و منازعات گسترده فراهم آمده است؛ چنان‌که گاه عالمان، به جای نگرستن به یکدیگر در افق امت واحده، از دریچه دسته‌بندی‌های فرعی به تحلیل حال یکدیگر پرداخته و ناخواسته در تعمیق شکاف‌ها نقش یافته‌اند.

تاریخ اسلام گواه آن است که عالمان همه مذاهب اسلامی نقشی بی بدیل در پاسداری از همبستگی امت داشته اند. این نقش نه به مذهب خاصی محدود است و نه به جغرافیایی معین؛ بلکه ریشه در حقیقتی مشترک دارد: گرایش به همگرایی و همدلی در پرتو ایمان به خدای یگانه و پیامبر خاتم. تلاش برای سیاست زده کردن روابط عالمان

در عین حال، در طول تاریخ کوشش های فراوانی برای سیاست زده کردن روابط عالمان و کشاندن آنان به عرصه رقابت های قدرت صورت گرفته است. گرچه این تلاش ها گاه شرایط امت اسلامی را پیچیده ساخته است، اما در بزنگاه های حساس تاریخ، همین عالمان بوده اند که با بصیرت و احساس مسئولیت تاریخی خود مانع از فروپاشی های بزرگ شده اند.

بی تردید سرنوشت جوامع اسلامی بیش از هر عامل دیگری به نحوه تعامل عالمان اسلام با یکدیگر و با جامعه بستگی دارد. اگر این تعامل بر پایه حکمت و نگاه تمدنی شکل گیرد، افق های تازه ای از امید و همگرایی گشوده خواهد شد و اگر - خدای ناکرده - در سایه سوءتفاهم ها و تحریکات بیرونی دچار گسست شود، راه برای مداخلات و بحران های بزرگ هموار می گردد.

امروز نیز یکی از راهبردهای شناخته شده دشمنان جهان اسلام آن است که عالمان مسلمان را در چارچوب مرزبندی های تنگ مذهبی قرار دهند و با برجسته کردن حساسیت های فرقه ای، روح امت گرایی را تضعیف کنند. آنان به خوبی می دانند که اگر عالم مسلمان از افق بلند جهان اسلام به مسائل بنگرد، می تواند دشمنان حقیقی انسانیت و امت اسلامی را به درستی تشخیص دهد و دقیقاً همین امر چیزی است که آنان نمی خواهند رخ دهد.

شاید در میان آتش جنگ و ویرانی هایی که از دل انفجارها برجای مانده است - در هنگامی که پیکرهای لطیف دخترکان مدرسه در میناب در میان خاک و خون پاره پاره می شود - پرداختن به تاریخ انقلاب اسلامی ایران در نگاه نخست مناسب به نظر نرسد؛ اما واقعیت آن است که فهم بسیاری از رخدادها امروز بدون توجه به ماهیت آن انقلاب ممکن نیست.

انقلاب اسلامی ایران، به گواه شماری از برجسته ترین متفکران اجتماعی در شرق و غرب، پدیده ای صرفاً سیاسی یا محدود به یک مذهب خاص نبوده است؛ بلکه رخدادی انسانی - اسلامی با افقی فراتر از مرزهای قومیت و فرقه به شمار آمده است. این انقلاب در پی آن بود که بار دیگر امکان پیوند دین، عزت، استقلال و پیشرفت را در جهان معاصر نشان دهد و به مسلمانان یادآور شود که می توان در برابر نظام های سلطه ایستاد و در عین حال بر هویت دینی و کرامت انسانی پای فشرد. ایران آغازگر هیچ تجاوزی نیست

در بیش از چهار دهه گذشته، جمهوری اسلامی ایران نه جنگی را آغاز کرده و نه به ابتکار خود وارد درگیری نظامی با کشوری شده است؛ هرچند جنگ های متعددی بر آن تحمیل گردیده است. آنچه در این میان اهمیت دارد منطق حاکم بر سیاست ایران است: تلاش مستمر برای پرهیز از جنگ و ترجیح گفت و گو و راهکارهای دیپلماتیک برای حل اختلافات.

در نخستین سال های پس از انقلاب، جنگی هشت ساله بر ایران تحمیل شد؛ جنگی که در دشوارترین روزهای تثبیت نظام نوپای جمهوری اسلامی آغاز گردید. در آن دوران، برخی کشورهای منطقه و قدرت های جهانی با حمایت های مالی، تجهیزاتی و سیاسی در کنار طرف مقابل قرار گرفتند و نتیجه آن جنگ، خسارت های گسترده انسانی و مادی برای دو ملت مسلمان بود.

با این همه، ایران پس از پایان جنگ، به جای پیگیری انتقام یا مطالبه غرامت های سنگین، با امید به عقلانیت و درک مشترک از شرایط جهان اسلام، از بسیاری مطالبات خود چشم پوشید و راه تسامح و مدارا را در پیش گرفت.

با وجود این رویکرد، در سال های بعد تلاش های گسترده ای برای تخریب چهره ایران در افکار عمومی جهان اسلام صورت گرفت. ادبیات تکفیر و تضلیل گسترش یافت و در مواردی همکاری هایی با رژیم صهیونیستی و ایالات متحده برای پیشبرد اهداف آنان در منطقه شکل گرفت. در همین روند، بخش هایی از منطقه به عرصه نوعی همگرایی استراتژیک با رژیم صهیونیستی تبدیل شد و مرزهای جنوبی ایران به تدریج به محل استقرار گسترده پایگاه های نظامی ایالات متحده بدل گردید.

سرانجام در ماه های اخیر، مرحله تازه ای از این روند رقم خورد. قریب یک ماه است که جنگی تحمیلی و تجاوزی آشکار از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل با حمایت برخی دیگر از دولت ها علیه ملت و دولت ایران آغاز شده است. در جریان این حملات، هزاران زن و مرد و کودک بی گناه به شهادت رسیدند و افزون بر آنان شماری از فرماندهان، مسئولان و در رأس آنان مرجع بزرگ دینی و رهبر جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای نیز به شهادت رسیدند.

در این حملات، بیش از شصت هزار واحد مسکونی و صدها مرکز علمی، درمانی و اجتماعی، ده ها کارخانه و بخش هایی از زیرساخت های انرژی، صنعتی و ارتباطی کشور آسیب دید یا ویران شد. این حجم از تخریب، تنها یک اقدام نظامی محدود نبود؛ بلکه نمونه ای آشکار از جنگی بود که ابعاد انسانی و تمدنی آن سراسر منطقه را تحت تأثیر قرار می دهد.

آنچه این رخداد را پیچیده تر می کند آن است که این حمله در زمانی صورت گرفت که جمهوری اسلامی ایران برای بار دوم در مسیر مذاکره با ایالات متحده قرار گرفته بود. بدین ترتیب، در میانه روند گفت وگو، میز مذاکره با موشک و بمب درهم شکسته شد؛ اقدامی که در حقیقت نه تنها یک کشور، بلکه اصل گفت وگو و اعتماد در روابط بین الملل را هدف قرار می دهد. تأسف برای کشورهای اسلامی همسایه

در برابر چنین واقعه ای، تأسف بار آن است که برخی دولت ها، با وجود ادعای همسایگی و اخوت اسلامی، زمین، آسمان و آب های منطقه ای خود را در اختیار نیروهایی قرار دادند که این حمله را رقم زدند. با این حال جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که کشورهای منطقه را برادران و همسایگان خود می داند و پاسخ خود را صرفاً متوجه پایگاه هایی خواهد کرد که از آنها علیه ایران عملیات نظامی انجام می شود؛ پاسخی که در چارچوب حق دفاع مشروع تعریف می شود.

آنچه امروز رخ می دهد صرفاً یک درگیری نظامی نیست؛ بلکه رخدادی است که می تواند بر آینده جهان اسلام و حتی بنیان اخلاقی روابط میان ملت ها تأثیر بگذارد. اگر در نظام بین الملل این قاعده شکل گیرد که می توان در میانه مذاکرات به یک کشور حمله کرد، دیگر هیچ ملت مستقلاً با اطمینان پای میز مذاکره نخواهد نشست.

در چنین شرایطی، نقش عالمان دین در جهان اسلام اهمیتی دوچندان می یابد. آنان در طول تاریخ پاسداران وجدان اخلاقی امت بوده اند و در بزنگاه های بزرگ با کلامی روشن توانسته اند مسیر بسیاری از بحران ها را تغییر دهند.

امروز نیز پرسش اساسی آن است که آیا جهان اسلام می تواند در برابر روندهایی که به تضعیف استقلال ملت های مسلمان می انجامد بی تفاوت بماند؟ آیا می توان در برابر تبدیل سرزمین های اسلامی به میدان رقابت قدرت های جهانی سکوت اختیار کرد؟

بدون تردید قرآن کریم مسلمانان را به عزت، وحدت و پرهیز از سستی فرا می خواند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». تحقق این پیام قرآنی بیش از هر زمان دیگر نیازمند بصیرت، شجاعت و همگرایی عالمان مسلمان است.

از همین رو، خطاب این نامه پیش از هر کس به شما، عالمان و مصلحان امت اسلامی است؛ تا با دفاع از اصول مشترک اسلامی – حرمت جان انسان، قبح تجاوز، پایبندی به عهد و اصالت گفت وگو – از تبدیل سرزمین های اسلامی به میدان جنگ های پی در پی جلوگیری شود. تأکید بر ایفای نقش عالمان

بی تردید تاریخ درباره رفتار و مواضع همه ما در این روزهای دشوار دآوری خواهد کرد. نسل های آینده خواهند پرسید که عالمان دین در این مقطع حساس چه کردند: آیا به اختلافات فرعی پرداختند یا برای حفظ کرامت امت اسلامی به میدان آمدند؟

امید آن است که صدای حکمت و همبستگی عالمان اسلام بار دیگر طنین انداز شود و راهی گشوده گردد که در آن گفت وگو جایگزین جنگ و همگرایی جایگزین واگرایی شود.

در پایان، با امید به آنکه صدای مسئولیت پذیری عالمان اسلام افقی تازه پیش روی امت اسلامی بگشاید، دست برادری و گفت وگو را به سوی همه شما دراز می کنیم و امیدواریم در پرتو همفکری و همدلی، گامی در جهت کاهش رنج انسان ها، حفظ امنیت ملت ها و تقویت عزت جهان اسلام برداشته شود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته